

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حمید عطاء

۱۱/۰۱/۱۷

همسایه بخیل

جمله کوتاه برخاسته از یک واقعیت ملموس را در بحث تلویزیونی شنیدم: "همسایه های بخیل"! این جمله کوتاه مرا به یاد زاویه ای از سه دهه اخیر عمرم کشاند که از شروع آن دوره تا کنون، با چه تزویر و ریائی ما را، مردم ما و حتی خیلی های دیگر را فریفتند، جادو کردند و به گفته آن دهگانزاده گریخته از شر هجوم تتر: کشتند و سوختند و بردند!

از مدتی است که مردم عامه ما که همیشه فریب شعار ها را خورده اند، پی به یک حقیقت تلخ برده و آن اینکه رژیم ایران در برابر مردم و مصالح ملی ما از شیوه های غیر اخلاقی و خلاف ارزش های انسانی کار میگیرند. (ارزش های اسلامی که همیشه از آن برای رسیدن به اهداف پنهانی خود پیراهن عثمان ساخته اند، چیزی است که کم کم در زیر آفتاب کردار و اعمالشان چون برف در حالت ذوبان است).

رفتار غیر انسانی با مهاجرین، مداخله در امور داخلی ما تا حد درخواست علنی سفیر رژیم ایران در کابل (اما درخواست های داخل چار دیوار ها را که خدا میداند)، بدون مراعات رسم دیپلماتیک از مقامات عدلی و اجرائی افغانستان مبنی بر انجام این کار و منع آن کار، مانع شدن استقلال اقتصادی و رشد پروژه های اقتصادی، کمک کردن به مخالفین برای اخلاص امنیت و تداوم هرج و مرج در کشور ما، و بسا موارد دیگری که هرگز انتظار آنرا از رژیمی نداشتیم که خود را در قالب مدافع مظلومان و دشمن سرخ و سیاه جازده، و همیشه اشکهایش را به خاطر "مستضعفان" از چشم به زیر چکاند؛ اشک هایی که تمساحها عادتاً بعد از بلعیدن شکار مظلومشان از چشمانشان میریزند.

اصلاً ما چرا انگشت انتقاد را به طرف آنها بگیریم وقتی در خانه خود ما، رئیس خودما ذلیلانه از آنها رشوه میگیرد تا بعدتر اوامرشان را پیاده کند. وقتی افرادی از خانه خودما اگر شکمش در خانه است، سر و ذهن و دست و قلبش در قدم آنها است. وقتی هم گلیمان خودما برای توجیه هر غلط و بد و بیراه آن دشمن مکار دهان تا گلو میدرند، خود را ذلیل میسازند ولی نمیخواهند پرده از چهره آنها به زیر افتد.

شواهد قابل دید زیادی است که دشمنی این رژیم را با ملت و کشور ما برای آنانی که چشم شان قابلیت دید را دارد و در گرو دشمنان نیست، نشان میدهد. انگشت افکار ما را محکم گرفتن شاید یکی از زشت ترین شیوه هائی است که این رژیم به کار میبرد.

شندیم و خواندیم که سفیر رژیم ایران در کابل (مکاتن جدید با رنگ و شیوه دیگر) از حکومت و مقامات افغانی با جدیت خواسته اند تا تمام آنانی را که در مظاهره علیه ستم این رژیم در برابر ملت بیچاره و مظلوم ما، انجام داده اند شناسائی و دستگیر نمایند!.... البته چسباندن اتهامات بر مخالفین هم هرگز از یادشان نمیرود و نرفته.

وقتی اعتراض و دفاع از کرامت ملی تو سط هموطنان ما برای رژیم ایران آنقدر ناپسند باشد که حتی در خارج از مرز های جغرافیائی خودشان نیز خواهان همان معامله اند که خود شان در برابر معترضان مظلوم ایرانی در داخل ایران انجام میدهند، این دیگر اندازه مداخله صریح این رژیم را در کشور ما نشان میدهد. شاید هم آقای سفیر و دیگر همکاران و همفکرانش میخواستند تا خودشان همان معامله را به سر مظاهره کنندگان در مقابل سفارت ایران بیاورند که بر سر مهاجران بیچاره ما در داخل ایران میآورند که به تازگی یکی از آنها که بر روی جاده توسط مامورین ایرانی به سر رسید، ببرکت اینترنت افشاء گردید.

رژیم ایران برای توسعه نفوذ و بسط سیطره خود در خارج از ایران همیشه از نوعی نفاق و دو روئی استفاده کرده و مردم را با شعار های دروغین و نفاق انگیز اغفال نموده است، یکی از این شعارها هم پیوند های عمیق نژادی، مذهبی، فرهنگی و ... میان کشور ایران و افغانستان است. اما زمانیکه پای مصلحتی برای هموطن و کشور ما در میان میاید با هر حیل و وسیله که باشد میخواهد مردم ما را از آن محروم کند. به طور اندک نمونه:

ایجاد موانع در راه اعمار بند سلما و استفاده از آب های کشور خودما، سنگ اندازی در راه عبور پایپ لاین گاز ترکمنستان به نیم قاره هنداز خاک افغانستان، ضربه زدن به صنعت ملی نوپای ما با طرق مختلف، ایجاد موانع در راه ترانزیت و تجارت اموال، و از همه خطرناکتر ایجاد تفرقه مذهبی و قومی در میان اقوام کشور و غیر اینهای دیگر، که در برابر مردم و کشور ما مرتکب میشوند. و درین اواخر هم توقیف تانکر های نفتی خریده شده ما.

مسئولین این رژیم درکابل دلیل اسیر گرفتن وسایل انتقال نفتی را که در بدل آن پول گرفته اند، استفاده قوت های امریکائی از مواد نفتی دانسته است. بهانه ای که رسوائی آن از دور قابل درک است.

این رژیم که با امریکا خلاف شعارهای عوام فریبانه اش، در مسایل خورد و بزرگ زیادی همکار و همیار است، دلیل می آورد که این نفت به قوت های خارجی هم داده میشود.

آنچه دیگر برملا شده است اینست که رژیم ایران برای برآورده شدن اهداف ناپاک خود همیشه شعار های گمراه کن و عوامفریبانه را سر میدهد. همکاری های پشت پرده شان با امریکا (شیطان بزرگ) در عراق و پیش از آن در افغانستان هیچ غیرت دینی و ملی شان را تحریک نکرد که امروز چند لیتر تیل دیگ غیرتشان را به جوش آورد.

در سابق وقتی شعار دفاع از مردم (مسلمان) افغانستان را بلند میکردند و گروهائی را در زیر چادر خود داشتند، بدون شرم و حیائی با طرف مقابل آنان (روس ها و حکومت زیر دست روسی) به مغالزه و معاشقه مشغول بودند. نوشته های آقای خاکستر و نوشته های نویسنده و دانشمند عزیز داکتر اکرم عثمان در این اواخر صفحه جدیدی بر صفحات نفاق این رژیم افزود. (۱)

هر وقت و ناوختی رژیم ایران و مزدوران این رژیم از وجود مهاجران در کشور ایران یاد کرده و منت گذاری غیر اخلاقی و ضد اسلامی بر ما میکنند و میخواهند وجود این مهاجران را که داغهای ناسوری از آنها بردل دارند وسیله برای اسکات ما در برابر هر تعدی شان قرار دهند. اما آنها هرگز یادی از سهم گیری افغانان در آبادانی

کشور شان نکردند. نمیخواهم بگویم از آن بیگارگیری های ظالمانه شان در پاسگاههای خشونت بارشان و یا در دیگر دستگاههای این رژیم یادی کنند، و یا هم از شهادت هزاران هموطن خوشباور ما در جبهه های جنگی شان در مقابل عراق تجلیلی کنند بلکه از همان کارگرانی که با اندک مزدی سخت ترین کار هارا برایشان کردند هم یادی نمیکند. توگوئی همه مهاجران افغان هر صبح و شام بر سفره "من و سلوای" این حکومت غذا میخوردند؟! این رژیم بخیل تر از آنست که بخواهد هموطن ما را کمکی بدون مطلب و هدفی بکند.

درخواست سفیر ایران برای سرکوب معترضان در برابر ظلم حکومت ایران بر مردم ما ، شاید هم جزئی از پس پرداخت همان پول های رشوتی باشد که تا قصر ریاست جمهوری در کابل رسیده است . آنها که این پول ها را به خاطر رنگ زیبایی چین این و یا برکت عمامه آن که نمیدهند. این پول ها و تحفه ها پیش پرداختی است برای درخواست های نامشروع شان در داخل خانه ما. بدون شک هم پروگرام بازنگری بر توزیع آبهای کشور یکی از همین عوض هائی است که در داخل کشور ما برای منافع ایران مطرح شده است.

انچه در آن توده های مظلوم این دو کشور باهم اختلافی ندارند، دوستی و برادری این دو ملت با تمام ویژگی های فرهنگی، عقیدتی و زبانی شان است که به دور از سایه بهره برداری رژیم قرار داشته و میخواهند استفاده های ناسالم سیاستمداران از این ویژگی کوتاه باشد.

مردم ما و به خصوص آنانی که تاملاتی هم فریب شعار های دروغین شان را خورده بودند و یا در تار های عنکبوتی نژادی و مذهبی شان گیر مانده بودند کم کم متوجه شده اند که این عجزه هزار داماد آنها را بیخود فریب داده بود و این اشک هائی که بر رخس از غم ما دیده میشود همه اشک تمساحی است که بعد از هر بلعیدن از آن به بیرون میتراود.

آینده ها بر ملاگر بیشتر (به گفته برادران ایرانی) **مج** این بخیلان خواهد بود.

یادداشت:

(۱) تذکری را که آقای "حمید عطاء" از نوشته های افرادی به نام "خاکستر" و "عثمان" ارائه داشته اند، مبین نظرات خودشان بوده، پورتال در قبال این مضحکه رسوا طرز دید خاص خود را دارد. ما در حالی که این درگیری را ادامه درگیری هائی می دانیم که به دنبال جابه جایی نجیب به عوض ببرک آغاز یافت، تصمیم داریم تا در اولین فرصت ممکن در آن باره نکات نظر خویش را بیان نمائیم.

(۲) به همان پیمان که افشاءگری علیه سیاست های ضد انسانی رژیم ولایت فقیه را امری می دانیم درست و به جا و خود راموظف می دانیم تا یک لحظه از آن غفلت نورزیم، بیشتر و محکمتر از آن باید به همه هوشدار بدهیم که نباید بیان آن فجایع مارا به دام عوامل "سی.ای.ای" در داخل مردم که می کوشند تا به عوض تضاد اساسی و عمده مردم ما علیه نیروهای اشغالگر، تضاد های دیگری را جایگزین آن بسازند، بیندازد.

با کمال محبت

اداره پورتال AA-AA

